

قطع نامه ۵۹۸ از منظر فقه سیاسی منطبق بر رویکردهای سیاستی امام خمینی (رحمه الله علیه)

مهدی نوریان، امیر محمد حضرتی، زهرا السادات نجم آبادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴

چکیده:

تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، شاهد قطع نامه‌های متعددی از سوی شورای امنیت است که به دلیل نادیده گرفتن حقوق ملت ایران موافقت مسئولان نظام جمهوری اسلامی را کسب نکرد اما به جهت شرایط زمانی و مفاد متفاوت قطع نامه ۵۹۸، این قطعنامه پذیرفته شد. دست‌یابی به علل پذیرش قطع نامه از سوی امام (رحمه الله علیه) و فهم راهبردهای سیاسی ایشان در آن زمان مبتنی بر شناخت الگوی سیاست خارجی مورد نظر ایشان است؛ از این رو تبیین اصول و مبانی سیاست خارجی حضرت امام (رحمه الله علیه) از منظر فقه سیاسی اجتناب ناپذیر می‌نماید. پژوهش حاضر که به روش اسنادی-کتابخانه‌ای نگاهشده شده و از نوع توصیفی-تحلیلی به روش کیفی است، به بررسی اصول و قواعد ثابتی که مبنای سیاست خارجی امام (رحمه الله علیه) در پذیرش قطعنامه بوده، پرداخته است؛ در این راستا می‌توان به مواردی چون تکلیف‌گرایی و عمل به مقدمات، مصلحت اسلام و مسلمانان، گسترش نفوذ اسلام، نفی دخالت بیگانگان، تقدم اهم بر مهم، مشورت و رجوع به خیره و لزوم عمل به تعهد و پایبندی به قراردادهای بین‌المللی اشاره کرد.

واژگان اصلی: قطع نامه ۵۹۸، امام خمینی (رحمه الله علیه)، مصلحت، نفی سبیل، فقه سیاسی.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه قم، قم، ایران

۳. دانشجو دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام - پردیس خواهران، تهران، ایران

مقدمه

امام خمینی (رحمه الله علیه) در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، راهبردهای سیاسی گوناگونی را اتخاذ نمودند که حاکی از یک نظام ارزشی پویا و نشان‌دهنده توجه به اقتضائات زمانی - مکانی و مصلحت عمومی و برآمده از اندیشه سیاسی و فقهی ایشان است؛ از این رو برای فهم راهبردهای سیاسی حضرت امام (رحمه الله علیه) در طول دوران دفاع مقدس و به‌ویژه در پذیرش قطع‌نامه، بایستی به توضیح بستر و علل پذیرش قطع‌نامه و سپس تبیین مبانی و اصول سیاست خارجی ایشان پرداخت.

درک صحیح و جامع امام خمینی (رحمه الله علیه) از مکتب اسلام و اشراف ایشان به تمام زوایای دین بیانگر اثرپذیری آراء ایشان از قوانین الهی است (مرندی، ۱۳۷۸: ۹) بر این اساس فهم فقه سیاسی به عنوان مبانی سیاست خارجی ایشان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد که اثر آن را می‌توان نخست در اتخاذ راهبردهای سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران و دوم میزان التزام به شاخص‌های مطلوب بنیان‌گذار آن ملاحظه نمود.

مبنای مستحکم امام خمینی (رحمه الله علیه) بر لزوم پایبندی به شعائر الهی و اجرای احکام اسلام از یکسو و چرخش سیاستی ایشان در خصوص قطع‌نامه ۵۹۸ و جام زهر نامیدن آن، فهم و بررسی این تحول را از زاویه نگاه فقه سیاسی ضرورت می‌بخشد؛ چراکه عدم تبیین این مبانی موجب فهم نادرست از راهبردهای سیاست خارجی مورد نظر ایشان منتهی گردیده و آفات و آسیب‌هایی زیادی را بر روندهای سیاست‌ورزی جمهوری اسلامی در فضای بین‌الملل متوجه نماید.

هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین سیاست خارجی امام خمینی (رحمه الله علیه) در پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ از منظر فقه سیاسی است. با این وجود دربردارنده اهداف دیگری چون آشنایی با راهبردهای سیاست خارجی امام خمینی (رحمه الله علیه) به‌ویژه در طول دوران جنگ تحمیلی، بررسی روند دفاع مقدس و چگونگی پذیرش قطع‌نامه، دستیابی به مبانی و اصول سیاست خارجی ایشان در پذیرش قطع‌نامه و بررسی جایگاه قواعد فقه سیاسی در تصمیم‌گیری‌های امام (رحمه الله علیه) و راهبردهای سیاست خارجی رهبر کبیر انقلاب اسلامی نیز خواهد بود.

بیان مسئله:

فشارهای سیاسی کشورهای غربی مخصوصاً آمریکا و همچنین حمایت کشورهای حوزه خلیج فارس از عراق وضعیت نامناسبی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده بود از طرفی

نبود حامی برای ایران و فشارهای بین‌المللی، تحریم‌های مختلف باعث شد تا جمهوری اسلامی در تنگنا قرار بگیرد که این اتفاقات برای نظام تازه شکل گرفته‌ی جمهوری اسلامی بسیار مضر تلقی می‌شد. در واقع از یک طرف فشارهای سیاسی و از طرفی هم معضلات اقتصادی؛ نظیر تورم، پایین آمدن درآمد سرانه، بی‌اعتمادی مردم به بازار سرمایه و تعطیلی کارخانه‌ها، وضعیت داخلی کشور را بحرانی کرده بود، در واقع شرایط اقتصادی دست به دست فشارهای بین‌المللی، اوضاعی را فراهم آورده بودند که بیش از آن نمی‌شد دیگر به جنگ ادامه داد. از دیگر زمینه‌هایی که باعث پذیرش قطعنامه شدند، زمینه‌های اجتماعی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ هستند، عواملی مثل بیکاری، مهاجرت از روستاها به شهرها، فشارهای روانی، امید به آینده که این شرایط در زمان بحرانی جنگ باعث می‌شد که مسئولین فکر اساسی برای این موضوعات بکنند در آن شرایط پایان دادن به جنگ مهمترین آن محسوب می‌شد. همچنین در سال‌های پایانی جنگ کمبود سلاح، عدم الفتح‌ها و هزینه‌های بالای جنگ تحمل شرایطی جنگی را غیر ممکن کرده بود، در چنین شرایطی با بررسی وضعیت کشور بهترین تصمیم قبول قطعنامه‌ای بود که نسبت به سایر قطعنامه‌های صادره دارای امتیازاتی بود. تداوم سال‌های جنگ و عدم پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت از جهتی حائز اهمیت برای جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آمد؛ زیرا اگر جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (رحمه الله علیه) در برابر جنایات و تجاوزات حزب بعث عراق به رهبری صدام نمی‌ایستاد دیگر تمامیت ارضی ایران در آینده امنیتی نداشت؛ بنابراین تداوم جنگ از این حیث حائز اهمیت بود ولی ادامه‌ی آن نیز هم باعث تضعیف جمهوری اسلامی می‌گردید و تشخیص این موضوع که چه زمانی باید جنگ پایان بیابد توسط امام خمینی (رحمه الله علیه) با نگاهی دقیق به مسائل کشور و قواعد فقهی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت به قبول قطعنامه ۵۹۸ ختم گردید.

پژوهش حاضر به روش اسنادی-کتابخانه‌ای نگاشته شده، از نوع توصیفی-تحلیلی به روش کیفی است و در بکارگیری آن از مجموعه کتب تاریخی، سیاسی و فقهی استفاده شده است و در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که مولفه‌های تشکیل دهنده راهبردهای سیاست خارجی امام خمینی (رحمه الله علیه) چیست؟ پژوهشگران در این تحقیق مصمم‌اند تا با تکیه بر دست یافته‌های پاسخ به این پرسش نسبت به مسائل فرعی پژوهش اعلام نظر نمایند. اینکه کدام علت و بستر موجب پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل بوده است و بر این اساس،

مبانی و اصول سیاست خارجی امام خمینی (رحمه الله علیه) مؤثر بر پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل کدامیک بوده است؟ چراکه پاسخ به این موارد چگونگی تبیین این تحول بنیادین در مواضع ایشان را روشن خواهد نمود. بنابراین می‌توان دست یافت‌نهایی این پژوهش در پاسخ به مسائل اصلی و فرعی آن را "چگونگی تبیین سیاست خارجی امام خمینی (رحمه الله علیه) در پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ از منظر فقه سیاسی" دانست.

۱- پیشینه تحقیق

بررسی پژوهشگران این تحقیق بیانگر وجود برخی منابع مرتبط با موضوع این پژوهش است اگرچه منابع مذکور ارتباط مستقیم با عنوان حاضر ندارد اما از زوایای مختلفی قابل بهره‌برداری در تحقیق است بلکه می‌توان از داده‌های موجود این منابع برای فزونی تحلیل و رفع کاستی‌های آن استفاده لازم برد. برخی از این منابع مستقیماً با موضوع جنگ و دفاع مقدس مرتبط است و برخی از آنها با قواعد و مبانی فکری امام خمینی (رحمه الله علیه) در خصوص جهاد، ارتباط با غیر مسلمانان و زمینه‌های تحلیل نوین از فقه ارتباط دارند. در این پیشینه شناسی سعی گردید تا تنوع رویکردها، روش‌ها و منابع مورد توجه قرارگیرد. بدین‌رو همپوشانی با رویکردهای جنگ و دفاع مقدس؛ مبانی نظری سیاست خارجی و مبانی نظری ارتباط با غیر مسلمانان و قراردادهای بین‌المللی موارد موجود ملاحظه گردیده است.

برخی از پژوهش‌ها به ریشه‌یابی علل جنگ ایران و عراق پرداخته‌اند که برهم خوردن نظم سیاسی منطقه، ایدئولوژی جدید انقلابی، فعالیت‌های ضد انقلاب و شکل‌گیری ابهامات در روابط بین‌الملل را می‌توان از جمله مولفه‌های تأثیرگذار در این خصوص نام برد. (کسرابی و موسوی، ۱۳۹۲) و برخی دیگر با تحلیل جنگ ایران و عراق؛ آثاری که بر سیاست خارجی ایران و تغییر گفتمان آن داشته است را مورد مذاقه قرار داده‌اند. (سرمدی و ازغندی، ۱۳۹۵) و پس از ساختارشناسی قطع‌نامه‌ها و تقسیم بندی آن به سه قسم صنفی، سیاسی و مختلط و تبیین کارکرد و حوزه اثرگذاری آن بر حاکمیت و نیروهای انقلابی (حسن‌زاده، ۱۳۸۶) پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ را سبب رفع ادعای جنگ طلبی ایران و صلح طلبی عراق عنوان کرده‌اند که نهایتاً تأمین اهداف سیاسی ایران در جنگ با عراق را به دنبال داشته است؛ زیرا ضمن حفظ تمامیت ارضی ایران، به تثبیت نظام سیاسی با شاخصه‌های انقلابی و دینی مدنظر آن منجر شده است. (سادات بیدگلی و قیصریان فرد، ۱۳۹۸)

دسته‌ای دیگر پس از مفهوم شناسی سیاست خارجی از دیدگاه‌های گوناگون (شفیعی؛ زمانیان، ۱۳۹۰) به طور ویژه به تحلیل سیاست خارجی امام خمینی (رحمه الله علیه) پرداخته‌اند. ایده سیاست خارجی ایشان آمیزه‌ای از شجاعت و حزم، اعتراض و در عین حال میل به تفاهم با دولت‌ها، ناگزیری دشمنی و ضرورت دوستی و باور به تداوم جنبش انقلابی و دولت‌سازی است (طاهایی، ۱۳۸۸) که در سطح ایدئولوژیک مبتنی بر فقه اسلامی است و مؤلفه‌های آن در پرتو اصل ولایت فقیه قرار می‌گیرند و در سطح دیپلماتیک ناظر بر حوزه منافع ملی است. - (رضائی پناه و حاجی یوسفی، ۱۳۹۹) اتخاذ راهبرد حفظ نظام اسلامی با تکیه بر نقش متغیرهای زمان و مکان در استنباط احکام مرتبط با حوزه عمل سیاسی (مولایی، ۱۳۹۲) و به کارگیری قواعدی چون قاعده نفی سبیل زیربنای سیاست خارجی ایشان را تشکیل می‌دهد و بر اساس مفاد قاعده نفی سبیل که در صحنه روابط بین‌الملل کارآمد بوده و عزت خواهی و استقلال طلبی را به دنبال دارد؛ هرگونه رابطه‌ای که منجر به سلطه کفار بر مسلمانان شود، قابل پذیرش نیست. (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱)

پژوهش‌های دیگری به رشته تحریر در آمده است که ناظر به مسائل پدید آمده از روابط بین المللی مبتنی بر اندیشه امام خمینی (رحمه الله علیه) بوده است. مرحوم امام (رحمه الله علیه) قائل به تأثیر مکان و زمان در استنباط احکام شرعی هستند که توجه به این مبنا و مصالح بین المللی بایستی در استنباط احکام شرعی مرتبط مورد نظر باشد. (موسوی بجنوردی، افضل‌ی قادی، ۱۳۹۳)

۲- مبانی مفهومی

۲-۱- سیاست خارجی:

سیاست خارجی^۱ دارای تعاریف متعددی است، از جمله اقدامات یک دولت در قبال محیط خارجی و شرایط داخلی مؤثر بر آن که در برگیرنده مقاصد و ارزش‌ها است. کسانی که از طرف یک جامعه تصمیم می‌گیرند، این عمل را بدان خاطر انجام می‌دهند که محیط داخلی و خارجی را دگرگون سازند یا آن را حفظ کنند و یا قواعد و ساختارها را که به یک مجموعه خاص روابط، مربوط می‌شود، تنظیم نمایند. سیاست خارجی ویژه‌ای که توسط دولتی اجرا می‌شود،

¹ Foreign Policy

ممکن است حاصل ابتکار و عمل خود آن دولت باشد یا ممکن است که عکس العمل ابتکارات و اقدامات دولت‌های دیگر باشد. اهداف راه، تصمیم گیرندگان رسمی دولت انتخاب می‌کنند تا یا وضع بین‌المللی موجود را به نفع منافع ملی خود تغییر دهند و با در حفظ آن بکوشند. اهداف سیاست خارجی، حاصل تحلیل مقاصد و وسایل نیل به اهداف می‌باشد. (اسلامی و صحرائی، ۱۳۹۷) بررسی برخی پژوهشگران نشان می‌دهد سیاست خارجی در دیدگاه نظریه‌ها از ابعاد مفهومی متفاوتی برخوردار است. در این تحلیل سیاست خارجی بر پایه نظریه واقع‌گرایی در راستای تأمین منافع ملی با افزایش قدرت دولت در محیط بین‌الملل هدف‌گذاری می‌شود لذا امور سخت‌افزاری در آن از اهمیت بیشتری برخوردار است در حالی که سیاست خارجی لیبرال با هدف گذاری نرم‌افزاری تأکید بیشتری بر حقوق بشر، دموکراسی و اموری از این دست دارد سیاست خارجی سازه‌انگار ضمن هدف گذاری نرم‌افزاری علاوه بر رویکرد هنجاری به رویکردهای تکوینی و هنجارهای برآمده از تعاملات نیز توجه نموده است. (شفیعی و زمانیان، ۱۳۹۰: ۱۲۷) اما این مفهوم با توجه به هویت دینی - ملی جمهوری اسلامی از رویکرد هنجاری بیشتری برخوردار گردیده و با تجمیع هدف گذاری‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری شکل می‌گیرد؛ چراکه از سویی به رویکردهای تقابلی با مفهوم جهاد و گسترش جغرافیایی اندیشه انقلابی متمایل است در حالی که ضمن حفظ هویت پیش گفته به رویه‌های کمک‌های بشر دوستانه و دفاع از مستضعفان جهان نیز تمایل دارد. لذا برخی تحلیل‌گران معتقدند: رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی از تنوع، پیچیدگی و انعطاف پذیری و تغییرپذیری برخوردار است که تعامل ناشی از چنین هویتی بر پایه تلقی و ذهنیت خاص از نظام بین‌الملل در جمهوری اسلامی ایران است. (یاقوتی، ۱۳۹۰)

این مفهوم با دقت نظر در اندیشه‌های امام راحل از ابعاد روشن‌تری برخوردار می‌شود و آنگونه که در نگاه برخی تحلیل‌گران به تلقی و ذهنیت خاص از روابط بین‌الملل تعبیر گردیده، از پیچیدگی غیر قابل فهمی برخوردار نیست. در این پژوهش سعی می‌شود مفهوم سیاست خارجی بر پایه اندیشه‌های امام خمینی (رحمه الله علیه) بازتعریف و ارائه گردد.

۲-۲- فقه سیاسی:

شروع تحولات سیاسی دهه چهل شمسی و طرح اندیشه‌های نوینی که در نهایت به دیدگاه همراهی دین و سیاست انجامید اگرچه ریشه در تاریخ گذشته ایران و به ویژه در عصر مشروطه

دارد لکن با پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی حکومت مبتنی بر نگاه دینی از جایگاه متفاوتی برخوردار گردید. فقه مضاف که از جمله نتایج هویت کاربردی فقه در ساختار مدیریت جامعه است، بروز و ظهور یافت و نظریه ولایت فقیه به عنوان دیدگاه حاکم بر مقدرات سیاسی و مدیریتی ایران مسلط گردید. نتیجه تلاقی دو مفهوم مقبولیت و مشروعیت موجب شد تا برخی پژوهشگران همراهی سه عنصر امامت، امت و دیانت را سبب حضور تفکر شیعه در ارکان و اجزاء به صحنه جامعه سیاسی بدانند. (طاهری و صفی شلمزاری، ۱۳۹۴) دانش فقه سیاسی با تکیه بر مبانی و روش فقهی به کشف، استخراج و بیان احکام شرعی ناظر بر امور سیاسی می‌پردازد؛ (میراحمدی، ۱۳۹۵: ۳۵) این دانش، دانشی میان رشته‌ای تلقی می‌شود که از تلاقی دانش فقهی و سیاسی در نظام علمی مسلمانان حاصل می‌شود (همان: ۱۱۸) برخی از اندیشمندان با ایجاد رابطه هویتی و برابری بین فقه و سیاست، تمامی احکام فقهی را ناظر بر امور جامعه و امت اسلامی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی می‌دانند و تنها به هویت جمعی افراد توجه می‌کنند. (فراتی، ۱۳۹۰: ۲۲۰) در این دیدگاه، فقه سیاسی، مفهوم سیاسی بودن فقه است و فقه جنبه اجتماعی و سیاسی پیدا کرده است و شامل تمام مقررات اداره یک کشور و نظام سیاسی خواهد بود. (میراحمدی، ۱۳۹۵: ۳۰)

۳- سیاست خارجی امام خمینی (رحمه‌الله علیه)؛ محکمات و مشابهات

روشن است که بیانات امام خمینی (رحمه‌الله علیه) با توجه به مخاطبان ایشان از کیفیت بیانی متنوعی برخوردار است و از آنجاکه ماهیت محاوره چنین اقتضایی دارد، بنابراین برای فهم صحیح منویات پنهان در آثار مکتوب و غیر مکتوب ایشان، بررسی تمام این آثار اجتناب ناپذیر است، در غیر این صورت نه تنها فهم صحیحی از فرمایش ایشان بدست نخواهد آمد بلکه موجب انحراف نیز خواهد شد. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با لحاظ چنین مبنایی؛ ضمن توصیه به فهم مقصود امام (رحمه‌الله علیه) از طریق مبنا قراردادن محکمات بیانات ایشان؛ فرمودند: «می‌پرسند که به نظرات امام چگونه دست پیدا کنیم؟ به نظر من این کاملاً روشن است. نظرات

۱. کلمات امام، کلمات واضحی است؛ محکمات و بیانات است... همه باید این کلمات را درست بفهمیم و بر آن تدبّر کنیم، تا راه امام را اشتباه نکنیم (بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه‌الله ۱۳۷۷/۳/۱۴)

امام یک مجموعه است و خوشبختانه بیانات امام ثبت شده است و همین است که هست. مثل همه‌ی متونی که از آن‌ها می‌شود تفکر گوینده را استنباط کرد؛ منتها با شیوه‌ی درست استنباط. شیوه‌ی درست استنباط این است که همه حرف‌ها را ببینند، آن‌ها را در کنار هم قرار بدهند؛ توی آنها عام هست، خاص هست؛ مطلق هست، مقید هست. حرف‌ها را باید با همدیگر سنجید، تطبیق کرد؛ مجموع این حرف‌ها، نظر امام است. البته کار خیلی ساده‌ای نیست، اما روشن است که باید چه کار کنیم: یک کار اجتهادی است؛ اجتهادی است که از عهده‌ی شما جوان‌ها برمی‌آید. بنشینند واقعاً گروه‌های کاری در زمینه‌های مختلف، نظر امام را استنباط کنند، از گفته‌های امام به دست بیاورند.^۱

بررسی سخنان و آثار مکتوب اعم از نامه‌ها و احکام صادر شده از طرف ایشان نشان می‌دهد، رویکرد رهبر کبیر انقلاب اسلامی در سیاست خارجی رویکردی منعطف بوده است لکن این انعطاف متکی بر اصول و محکماتی بوده که از آن می‌توان به سیاست هویت محور تعبیر نمود. هویتی که براساس شاخص‌ها و مبانی استوار گردیده است و کل منسجم واحدی را نشان می‌دهد. مرور بیانات و مکاتبات ایشان صحت این ادعا را ثابت می‌کند. تاکید بر حمایت از مستضعفان جهان بویژه فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی (دهشیری، ۱۳۷۹: ۳۶۰) یکی از اصول محکم و خدشه ناپذیری است که تا آخرین روز بدون هیچ تردید و تغییری ادامه یافت، از این جنس اصول محکم و رخنه نپذیر در فرمایشان و تفکرات ایشان می‌تواند مبنای دریافت مفهومی صحیحی در شناخت مواضع ایشان باشد.

۳-۱- اصل ظلم ستیزی و مقابله با متجاوز

همین رویه‌ی ایشان در ارتباط با دفاع مقدس نیز قابل مشاهده است. ایشان با تکیه بر اصل ظلم ستیزی و مقابله با متجاوز در خصوص موضع کشورهای اسلامی سیاست‌های اعلامی آنان در محکوم نکردن متجاوز را زیر سؤال می‌بردند؛ لذا ضمن ریشه یابی تجاوزگری ارتش بعثی،^۲ کشورهای اسلامی را به اتخاذ موضع صحیح رهنمود داده فرمودند: «ما به همه کشورهای اسلامی و همه کشورهای غیر اسلامی، تمام کشورهای عرب و غیر عرب ما می‌گوییم که ... اگر

۱. بیانات در دیدار دانشجویان سراسر کشور ۱۳۸۷/۷/۷

۲. «این سکوت مرگبار چیست که در مسلمین است؟ شما گمان می‌کنید که مطرح عراق و ایران است و صدام

است و مملکت ایران؟ قضیه این نیست، مطرح اسلام است.» (امام خمینی (ره) ۱۳۸۹ ج ۱۳: ۳۴۲)

به قرآن عمل نمی‌کنید که قتال کنید و او را با سرنیزه بیرون کنید از کشور اسلامی، لاقلاً محکوم کنید او {عراق} را و اگر محکوم هم نمی‌کنید لاقلاً بی‌صدا باشید، بی‌طرف باشید.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۲۷۴)

۳-۲- وحدت جهان اسلام

توجه به وحدت جهان اسلام در برابر جهان کفر یکی دیگر از محکومات سیاست خارجی ایشان بود لذا ضمن اعلام هفته وحدت به عنوان یک راهبرد سیاستی و عملیاتی تاکید داشتند در صورت درگیری کشور اسلامی با کشورهای کافر، بر تمامی مسلمانان واجب است که با یکدیگر پیمان اتحاد برقرار نمایند و به مقابله فعال با قدرت‌های سلطه‌جو بپردازند. (دهشیری، ۱۳۷۹: ۳۷۱)

همین رویه در برخورد با متجاوز نیز از سوی ایشان اتخاذ گردید لذا در جریان جنگ ایران و عراق، مقابله با دولت عراق را وظیفه همگانی مسلمانان دانسته می‌فرمودند: «بر همه دولت‌های اسلامی به نص قرآن واجب است که مقابله کنند با دولت عراق تا برگردد به ذکر خدا و امر خدا.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۲۷۴-۲۷۵) موضوع وحدت یکی از شاخص‌ترین وجوه تمایز سیاست خارجی مورد تأیید امام با غیر از ایشان است. در بیاناتی که از ایشان به جای مانده تصریح به این موضوع را به وضوح می‌توان مشاهده نمود. اینکه ایشان فرمودند: «اگر مسلمانان جهان از خواب برخیزند و با یاری خداوند دست اتحاد ایمانی به هم دهند، هیچ قدرتی نمی‌تواند آن‌ها را تهدید کند.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۲۹۳) یا فرمایش دیگر ایشان که «برنامه ما وحدت کلمه مسلمین و اتحاد ممالک اسلامی است در مقابل دول استعمارطلب. ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است؛ وحدت کلمه مسلمین است. اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم. هم‌پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان، مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دول استعمارطلب.» (خمینی ۱۳۸۹ ج ۱: ۱۷۳) همگی بیانگر صحت ادعای پیش گفته در جایگاه مهم وحدت در هویت سازی سیاست خارجی امام راحل است.

اتخاذ سیاست تشجیع به مقابله با تجاوزگر به منزله پذیرش اصل دفاعی بودن موضع جمهوری اسلامی در جریان دفاع مقدس بوده است لذا همواره تاکید ایشان بر ماهیت دفاعی حضور نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در عرصه جنگ تحمیلی بوده است، از این رویه در فقه اسلامی به جهاد دفاعی تعبیر می‌شود. بررسی آرای مکتوب و شفاهی ایشان بیانگر صحت چنین ادعایی است. برای

نمونه امام خمینی (رحمه الله علیه) با تصریح به دفاعی بودن موضع جمهوری اسلامی تأکید داشتند: «ما دفاع مقدس می‌خواهیم بکنیم؛ یعنی ما می‌خواهیم از آبروی اسلام، از آبروی کشور اسلامی دفاع بکنیم. این دفاعی است که عقل و اسلام هر دو با آن موافق‌اند.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۴۵۷) یا در جایی دیگر می‌فرمودند: «ما اگر چنانچه در این جنگی که بر ما تحمیل شده است، دفاع می‌کنیم و دفاع کردیم و بیرون کردیم این اشخاص جنگجوی مفسد را برای این است که خدا فرموده است دفاع باید بکنید. دفاع هست. ما دفاع می‌کنیم مادامی که آن‌ها مشغول این کارهای مفسده‌جویی هستند ما هم باید دفاع کنیم.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۲۰۴) این اصل خدشه‌ناپذیر حتی در مواردی که نیروهای مسلح ایران به خاک‌های سرزمینی عراق وارد شدند نیز اعلام گردیده است. چنانکه در این خصوص به تصریح فرمودند: «الآن هم که ما وارد شدیم در خاک عراق، برای دفاع است و نه چیز دیگر» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۴۰۶) و ضمن تعریف خویش از دفاع معتقد بودند: «دفاع این است که ما دشمن را تا آنجا برسانیم و برانیم که نتواند با موشک‌های خودش شهرهای ما را بکوبد، رفتن در خاک عراق نه هجمه به عراق است، دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی است.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۴۰۰)

۳-۳- رویکرد عقیدتی و آرمانی به سیاست خارجی

مورد دیگری که می‌توان از آن به عنوان اصلی هویتی در سیاست خارجی امام خمینی (رحمه الله علیه) یاد نمود، رویکرد عقیدتی و آرمانی به سیاست خارجی است. همین مبنای خدشه‌ناپذیر ایشان در اتخاذ مواضع نسبت به دفاع مقدس نیز قابل مشاهده است. برای نمونه در یکی از سخنرانی‌ها امام فرمودند: «جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد. ما باید در جنگ اعتقادی‌مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه‌اندازیم.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۸۷) یا در جایی دیگر با تأکید بر این موضع فرمودند: «لازم است پایگاه‌های اسلامی برای معرفی اسلام و نشر حقایق نجات‌بخش در هر منطقه‌ای از جهان که امکان است برقرار باشد و در تحت یک سازمان هماهنگ برای نشر عدالت و قطع ایادی ستمکاران و چپاولچیان مشغول فعالیت شوند.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۲۱) ایشان در خصوص جایگاه عقیده در سیاست ورزی معتقد بودند: «ارزش حیات به آزادی و استقلال و پیروی از دستورات مذهبی است. ما برای حیات زیر سلطه غیر، ارزش قائل نیستیم. ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانیم.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۲۲۰) لذا مؤکداً می‌فرمودند: «قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای

غیرمسلم بر مسلم قرار نداده است، هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، اصلاً یک راه نباید پیدا بکند (لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً) اصلاً راه نباید داشته باشند مشرکین و این قدرت‌های فاسد، راه نباید داشته باشند بر مسلمین.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۱۷)

و نهایت اینکه پابندی به تعهدات و رویکرد مصالحه به عنوان یک هنجار اسلامی در سیاست خارجی ایشان مورد توجه و عمل بوده است به نحوی که می‌توان آن را جزئی جدایی ناپذیر از هویت سیاست خارجی مورد نظر امام راحل به شمار آورد. استراتژی روابط صلح آمیز به این شرط که مبتنی بر نفی روابط سلطه‌جویانه باشد، در اندیشه امام خمینی (رحمه الله علیه) جایگاه ویژه‌ای داشته است. ایشان همواره وجود رابطه را بر ترک آن مقدم می‌دانستند با این شرط که این رابطه بر اساس احترام متقابل باشد و منافع و مصالح طرفین رابطه مدنظر قرارگیرد نه اینکه به صورت یک‌جانبه محقق شود. لذا در نگاه ایشان پیمان‌های همکاری جویانه اما غیر عادلانه که موجب سلطه شوند، نامطلوب تلقی شده و مردود هستند. (میرزا حسینی، ۱۳۹۲: ۳) لذا ضمن انتقاد صریح از ساختار سلطه جویانه در نظامات بین المللی از باب قاعده الزام معتقد بودند؛ دستگاه‌های بین‌المللی رسیدگی‌کننده به جرائم بین‌المللی - در صورتی که قادر به احقاق حقوق ملل مستضعف و ستم دیده باشند - می‌فرمودند: «ایران الآن هم می‌گوید که صدام برود بیرون از اینجا و یک دستگاهی بین‌المللی بیاید و رسیدگی کند به جرم او و جنایات او.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۴۰) چراکه در حال اضطرار می‌توان در بطن نهادهای چندجانبه از طریق دیپلماسی پارلمانی به پای بندسازی قدرت‌های بزرگ به تعهداتی که خود را به آن ملزم نموده‌اند اهتمام کرد. از این رو در جنگ تحمیلی به‌طور ضمنی و گاه مصرح رسیدگی مجامع حقوقی بین‌الملل را در صورت رعایت اصول انصاف و عدالت مورد پذیرش قرار دادند. (دهشیری، ۱۳۷۹: ۳۵۸-۳۵۹)

۱. نساء: ۱۴۱

۲. «ما در عصری هستیم که سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشر، نگهبان منافع ظالمانه ابر جنایتکاران و مدافع ستمکاری آنان و بستگان آنان هستند.» (خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۷: ۳۰۴-۳۰۷) «شورای امنیت، همه این‌ها در خدمت ابرقدرت‌ها هستند و برای بازی دادن سایر کشورهاست و لهذا برای خودشان و تو قرار می‌دهند و هر مطلبی مخالف رأی خودشان است کنار می‌گذارند و اصلاً خود آن‌ها هم اساساً در خدمت ابرقدرت‌ها هستند.» (خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۳: ۱۹۰-۱۹۳)

با مذاقه در بیانات امام خمینی (رحمه الله علیه) در طول سال‌های جنگ تحمیلی، می‌توان سیاست‌های گوناگونی را در شرایط متفاوت مشاهده نمود. این راهبردهای متفاوت، دلیل بر عدم وجود استراتژی نیست بلکه حاکی از یک نظام ارزشی پویاست که نشان از توجه به اقتضائات زمانی و مکانی و مصلحت عمومی (مصلح زاده، ۱۳۹۷: ۲ و ۷) و برآمده از اندیشه فقهی امام (رحمه الله علیه) است. از این رو برای فهم راهبردهای سیاسی حضرت امام (رحمه الله علیه) در طول دوران دفاع مقدس و به‌ویژه در پذیرش قطع‌نامه، توضیح بستر و علل پذیرش قطع‌نامه و سپس تبیین مبانی و اصول سیاست خارجی ایشان ضروری می‌نماید.

۴- بستر پذیرش قطع‌نامه

برای فهم اندیشه‌های امام خمینی (رحمه الله علیه) و دست‌یابی به اصول ایشان در پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، تبیین شرایطی که سبب پذیرش قطع‌نامه شد، اجتناب ناپذیر است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به دنبال تشکیل نظام اسلامی و استقلال ایران اسلامی؛ منافع بسیاری از دولت‌ها به خطر افتاد و از این رو به فکر تجاوز به خاک ایران افتادند. دلایل متعددی برای آغاز جنگ میان ایران و عراق وجود دارد که تفصیل آن پژوهشی مستقل می‌طلبد.

پس از یک هفته از آغاز جنگ و دست نیافتن رژیم حزب بعث به نتایج قطعی و روشن، موجب ارائه درخواست صدام حسین به برقراری آتش‌بس شد. در این زمان اولین قطع‌نامه شورای امنیت به شماره ۴۷۹ در ۶ مهر ۱۳۵۹ و هفت روز پس از تجاوز عراق به خاک ایران، با عنوان «وضعیت ایران و عراق» صادر گردید. شورای امنیت در این قطع‌نامه تجاوز عراق علیه ایران را نادیده گرفته و نه تنها آن را محکوم نکرد؛ بلکه اشاره‌ای هم به نقض تمامیت ارضی ایران ننموده و بدون اشاره‌ای به صلح، تنها از دو طرف خواسته بود از توسل بیشتر به زور خودداری کنند. (سادات بیدگلی و قیصریان فرد، ۱۳۹۸: ۷۰)

در همین حال وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی اجلاس فوق‌العاده‌ای در ۱۳۵۹/۷/۴ تشکیل داده و کمیته‌ای را برای میانجی‌گری بین ایران و عراق برای پایان دادن به جنگ تشکیل دادند. این هیئت به ایران آمده و با امام خمینی دیدار کردند. امام فرمود: «الآن جنگ در ایران است و این خود دلیل بر تهاجم آن‌ها بر ماست و اگر ما مهاجم بودیم در عراق بودیم.» و در پاسخ به درخواست آتش‌بس اضافه نمود: «البته هر کس این چنین

جناياتی بکند و شهرها و روستاهای ما را بگیرد، آرزو می‌کند آتش بس برقرار باشد.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۲۸۳) و در نهایت خواستار اقدام جمعی دولت‌های اسلامی به منظور وادار کردن عراق به بیرون راندن نیروهای خود از ایران و جبران خسارت‌های وارده گردید. ایشان جبران خسارت را شامل کوتاه کردن دست حزب بعث از سر مردم عراق نیز می‌دانست. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۱۶۹ و ۲۸۲)

بعد از عزل بنی‌صدر، زمینه برای تصمیم‌گیری‌های جدی‌تر در مورد جنگ فراهم آمد و استراتژی جدیدی در جنگ از سوی مسئولین کشور مطرح گردید؛ و نهایتاً پس از عملیات متعدد منجر به آزادسازی خرمشهر شد. در این زمان نحوه پایان دادن به جنگ یکی از مباحث مهم مسئولان سیاسی و نظامی کشور در ایران بود. به این منظور در جلساتی که با حضور امام خمینی و فرماندهان نظامی و مسئولان سیاسی کشور بعد از فتح خرمشهر برگزار شد این موضوع مورد بررسی قرار گرفت. (فوزی، ۱۳۸۴: ۴۳)

با تحولات جنگ و افزایش نگرانی قدرت‌های بزرگ و اعضای شورای امنیت از ادامه جنگ و خطر گسترش آن در منطقه و افزایش حمله به کشتی‌ها در خلیج فارس، زمینه برای تصویب قطعنامه قاطع‌تری در خصوص اینکه جنگ بتواند مبنای سیاست‌های آینده قدرت‌های بزرگ قرار بگیرد، آماده شد. سرانجام قطعنامه در تاریخ ۱۳۶۶/۴/۳۰ به اتفاق آرا تصویب و صادر شد. جمهوری اسلامی ایران هرچند در نخستین واکنش در برابر قطعنامه ۵۹۸ برخورد سردی از خود نشان داد اما چند هفته بعد پاسخ مبسوط جمهوری اسلامی ایران به این قطعنامه منتشر شد. بدین ترتیب با عدم تأمین خواسته‌های ایران در قطعنامه ۵۹۸ جمهوری اسلامی ایران از پذیرش آن خودداری و درعین حال به دلیل نکات مثبتی که در قطعنامه وجود داشت، از نفی کامل آن نیز امتناع کرد. در واقع جمهوری اسلامی ایران ضمن اینکه با اعلام مواضع در برابر این قطعنامه سیاست نه رد و نه قبول را اتخاذ کرد درعین حال با اعتقاد به وجود برخی نکات مثبت در قطعنامه با تأکید بر ضرورت جابجایی در بندهای قطعنامه و تقدم محکوم کردن متجاوز نسبت به برقراری آتش‌بس، تلاش‌های سیاسی خود را بر همین محور تنظیم و سازمان‌دهی کرد که تا زمان پذیرش قطعنامه از سوی ایران ادامه داشت. (همان: ۷۴-۷۵)

پس از آن تحولات دیگری رخ داد و امام خمینی (رحمه الله علیه) با توجه به ماهیت اقدام تجاوزکارانه امریکا و فضای سیاسی نظامی حاکم بر جنگ و ضرورت بسیج نیروها برای مقابله با

وضعیت جدید به مناسبت فاجعه سقوط هواپیمای ایرباس پیامی را صادر کردند که در آن با توجه به ابهام و تردیدهایی که نسبت به روند تحولات جنگ و شایعه معامله پنهانی برای پایان دادن به جنگ که پس از سقوط فاو مطرح می‌شد، اعلام کرد: «امروز تردید (در جنگ) به هر شکلی خیانت به اسلام است. غفلت از مسائل جنگ خیانت به رسول‌الله است» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۶۹)

ایشان در جای دیگری از این پیام تأکید فرمودند:

«باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی‌مان در جبهه‌ها از بین برود. برای برپایی احکام اسلام عزیز دست اتحاد به یکدیگر داده محکم و استوار تا پیروزی اسلام حرکت کنیم. این روزها باید تلاش کنیم تا تحولی عظیم در تمامی مسائلی که مربوط به جنگ است به وجود آوریم باید همه برای جنگی تمام عیار علیه امریکا و اذناش به سوی جبهه رو کنیم.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۶۹)

اما علی‌رغم تأثیر پیام امام، به دلیل شرایط خاص جامعه اعزام نیرو به جبهه‌ها نیز متناسب با نیازهای جنگ نبود. (درودیان، ۱۳۷۹، ج ۵: ۱۱۲) از طرفی حملات عراق و تهاجم نیروهای آن‌ها و از دست دادن موضعی از عراق که به دست ایرانی‌ها افتاده بود، منجر شد سلسله جلساتی در داخل کشور باهدف اتخاذ تصمیم نهایی درباره جنگ تشکیل شود که در نشست مشترک روسای سه قوه، مجلس خبرگان و شورای نگهبان، شرایط سیاسی نظامی کشور مورد بررسی قرار گرفت. امام خمینی (رحمه الله علیه) نیز پنج‌شنبه و جمعه ۲۳ و ۲۴ تیرماه مشورت‌هایی را به‌صورت جداگانه انجام دادند. ولی نشست اصلی بر اساس دستور امام (رحمه الله علیه) و با حضور چهل تن از شخصیت‌های مهم کشور ۲۵ تیر ۶۷ تشکیل شد.

امام (رحمه الله علیه) در پیامی به این جلسه ضمن بیان نظریات خود، تصمیم‌گیری در مورد آینده جنگ را به جلسه واگذار کردند. چند روز پس‌ازآن در یک مصاحبه تلویزیونی نتایج این بحث‌ها اعلام شد که بر اساس آن مسئولان سیاسی نظامی جمهوری اسلامی تصمیم به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ گرفته بودند. با توجه به اینکه قطعنامه‌های قبلی حقوق ملت ایران را نادیده گرفته بود؛ جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد تا عناصر عدالت‌طلبانه خویش را در قطعنامه بعدی تزیق کند. مطالبی که از مسئولیت شروع جنگ، به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی و جنگ شهرها در مقدمه قطعنامه آمده است نشان از همین‌گونه اقدامات است و همین امر در تصمیم بر پذیرش قطع‌نامه تأثیر بسزایی داشت. (همتی و صفایی فسخودی، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۸۷) همچنین روند تحولات

منطقه‌ای در پایان جنگ نشان دهنده تأمین اهداف سیاسی ایران در جنگ با عراق بود؛ زیرا ایران توانسته بود با حمایت و پشتیبانی مردم، ضمن حفظ تمامیت ارضی، جنگ را اداره و نظام سیاسی خود را با شاخص‌های انقلابی-دینی تثبیت کند. (سادات بیدگلی؛ قیصریان فرد، ۱۳۹۸: ۶۹)

۱-۴- زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی پذیرش قطعنامه

عوامل گوناگونی بر پذیرش قطعنامه اثرگذار بود که می‌توان به عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی اشاره داشت. طولانی شدن سالهای جنگ آسیب‌های متعددی را بر جمهوری اسلامی ایران وارد کرده بود و از منظر اقتصادی هزینه‌های زیادی را در برداشت، همچنین تحریم‌های متعدد، فراهم نمودن سلاح‌ها را بسیار دشوار نموده بود. شرایط جنگی همچنان آسیب‌های مختلفی را از لحاظ اجتماعی به وجود آورده بود؛ از جمله بیکاری، مهاجرت، تعطیلی کارخانه و ... در نهایت در سالهای پایانی جنگ کاهش اعزام نیرو به جبهه‌ها و همچنین شکست‌های مقطع آخر جنگ ادامه یافتن جنگ را غیر ممکن می‌نمود. در نهایت دلیل جام زهر تلقی شدن قطعنامه را می‌توان اینگونه بیان کرد که باید این جنگ به تنبیه متجاوز ختم می‌گردید تا دیگر هیچ کشوری فکر تجاوز به ایران را نکند؛ اما ادامه یافتن جنگ با توجه به شرایط پیش آمده امکان پذیر نبود به همین خاطر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب امام خمینی (رحمه الله علیه) به جام زهر تعبیر شد.

۵- مبانی مؤثر بر پذیرش قطعنامه در سیاست خارجی امام خمینی (رحمه الله علیه)

پس از بیان ماهیت سیاست خارجی حضرت امام (رحمه الله علیه) و بستر پذیرش قطعنامه، لازم است اصول و مبانی ایشان در پذیرش قطعنامه از منظر فقه سیاسی بررسی شود تا میزان انطباق این پذیرش با آن ماهیت به سنجه تحلیل درآید. اندیشه سیاسی کوششی است برای تعیین اهدافی که به‌اندازه معقولی احتمال تحقق دارد و نیز تعیین ابزارهایی که در حد معقولی می‌توان انتظار داشت موجب دستیابی به آن اهداف شود. اندیشه سیاسی منطقی و کارآمد، اندیشه‌ای است که ضمن دارا بودن اصول ثابت، از انعطاف نیز برخوردار بوده و دارای ارکان معینی باشد. (لک زایی، ۱۳۸۳: ۱۲۴-۱۲۳) همانطور که در بیان ماهیت سیاست خارجی حضرت امام (رحمه الله علیه) به اثبات رسید اندیشه سیاسی ایشان در عین برخورداری از اصول و قواعد ثابت، از انعطاف پذیری مدبرانه‌ای بهره می‌برده است، براین اساس اکنون با طرح اصول مؤثر بر پذیرش قطعنامه به بررسی چگونگی جمع دو عنصر هویت محوری و انعطاف پذیری در سیاست خارجی ایشان می‌پردازیم.

۱-۵- عمل بر اساس مقدرات

رویکرد عقیدتی و آرمانی که از محکومات سیاست خارجی امام (رحمه الله علیه) به حساب می‌آید، ایشان را به تکلیف‌گرایی و عمل بر اساس تکلیف و وظیفه شرعی و حتی تغییر رفتار به دلیل تغییر وظیفه، مجاب نموده بود. ایشان معتقد است در حکومت اسلامی، قانون الهی حکم‌فرما است لذا می‌فرماید: «در حکومت اسلامی، قانون الهی و نه شخص، حکومت می‌کند و همه حتی رسول خدا، تابع قانون است و قانون، میزان عمل است.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳۱۰)

آنچه در خصوص جنگ ایران و عراق و پذیرش قطعنامه مؤثر واقع شد، نظر کارشناسان بود به نحوی که امام (رحمه الله علیه) را به این نتیجه رساند که تکلیف تغییر کرده است. مواردی چند از فرمایش ایشان به دقت نشانگر مبنای چنین انعطاف‌پذیری در سیاست است:

«من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام‌شده در جنگ بودم و مصلحت و نظام کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور (که من به تعهد و دلسوزی آنان اعتماد دارم) با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۹۲)

نمونه دیگر این فرمایش ایشان است که فرمودند:

«امروز روزی است که خدا این‌گونه خواسته است و دیروز خدا آن‌گونه خواسته بود و فردا ان‌شاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود؛ ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خدایم و به همین دلیل طالب شهادتیم و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰: ۳۶۶)

بنابراین تکلیف‌گرایی به‌عنوان یک اصل ثابت، پدیدآورنده رفتارهای متفاوت و متنوع در شرایط مختلف می‌گردد؛ اما باید توجه داشت نگرش حضرت امام (رحمه الله علیه) به تکلیف‌گرایی در عمل سیاسی، در فضایی صرفاً آرمانی و انتزاعی نیست و ایشان به‌عنوان اندیشمندی عمل‌گرا و واقف بر شرایط و اوضاع بین‌المللی و جهان اسلام و با توجه به مقتضیات داخلی و بین‌المللی، چارچوبی واقع‌بینانه را مطرح می‌کنند که تحقق تکالیف مهم شرعی فراهم شود. (مولایی، ۱۳۹۲:

۸۶) لذا در این خصوص می‌فرمایند:

«ما باید آینده را در نظر بگیریم و این گونه فکر نکنیم که وضع فعلی مان بگذرد. آینده هر چه باشد، باشد. ما مکلفیم تا علاوه بر اینکه وضع فعلی را حفظ کنیم، نگاهیان آینده نظام و اسلام باشیم.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۴۲)

علاوه بر تکلیف گرای، باید به شرایط تکلیف نیز توجه داشت. یکی از شروط تکلیف، قدرت است (جعفری تبریزی، ۱۳۶۰: ۱۱۸) و در کلمات حضرت امام (رحمه الله علیه) نیز اهتمام به این امر مشاهده می شود. ایشان تصریح دارند که هر کس به میزان توانش تکلیف دارد و باید به آن عمل کند، چنانکه در خصوص کمک به جبهه‌ها می فرمودند: «همه ما و همه کشور به آن (تأمین امنیت کشور و کمک به جبهه‌ها) مکلف هستیم، منتهی هر کس به آن مقداری که مقدور است.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۱۰۷) بنابراین عمل به مقدرات که از شرایط عامه تکلیف در نگاه فقهای امامیه به شمار می رود (البهبهانی ۱۴۰۵، ج ۲: ۳۱۴؛ طبرسی ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۶) را می توان مبنای انعطاف در رویکرد عقیدتی ایشان به سیاست خارجی دانست.

۲-۵- مصلحت اسلام و مسلمین

مصلحت از مهم ترین اموری است که می تواند موضوع احکام شریعت را تغییر دهد (علوی، ۱۴۰۰: ۱۸۸) لذا از جمله قواعد پرکاربرد در فقه سیاسی است که غالباً در بحث از وظایف و اختیارات حاکم مطرح است؛ چراکه وی مرجع تشخیص مصلحت است. امام خمینی (رحمه الله علیه) در این باره تصریح دارند که حاکم موظف است در موضوعات بر طبق مصلحت مسلمین یا اهالی منطقه خویش اعمال نظر کند. (خمینی ۱۴۲۱، ج ۲: ۶۱۹) لذا پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام اسلامی نیز حکومت، بسیاری از اراده‌های خویش و اعمال حاکمیت خود را با تکیه بر مصلحت نظام یا مصلحت اسلام انجام داده است. (محمودی ۱۳۹۷: ۷۳) امام (رحمه الله علیه) بارها تأکید کردند اگر مصلحت اسلام یا مسلمین را در عمل خاصی دیدند، اقدام می کنند. برای نمونه در فرازی از فرمایشات خویش چنین فرمودند: «اگر من خدای نخواسته، یک وقتی دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می کند که یک حرفی بزنم، می زنم و دنبالش راه می افتم و از هیچ چیز نمی ترسم بحمدالله و الله تا حالا نترسیده‌ام.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۹۳) لذا حفظ مصالح

۱. للوالی أن يعمل فی الموضوعات علی طبق الصلاح للمسلمین، أو لأهل حوزته، و لیس ذلک استبداداً بالرأی، بل هو علی طبق الصلاح، فرأیه تبع للصلاح کعمله

مسلمین را از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر می شمردند و می فرمودند: «اصولی که غیرقابل تغییر است این است که سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی و استقلال کشور و نیز حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشد.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۴۱۴)

از همین رو در مورد تبیین دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز به اصل مصلحت اسلام و مسلمین استناد کرده‌اند و فرموده‌اند: «و خدا می داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۹۲) «در شرایط کنونی، آنچه موجب امر شد، تکلیف الهی‌ام بود. شما می دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم و اگر آبرویی داشته‌ام باخدا معامله کرده‌ام.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۹۵) بنابراین عمل براساس مصلحت اسلام و مسلمین مبنای انعطاف در رویکرد ایشان نسبت به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بوده است.

۳-۵- نفی دخالت بیگانگان

دخالت بیگانگان و تسلط ایشان بر امور یک کشور همواره در منابع دینی مورد مذمت قرار گرفته و مخالف اصل استقلال و آزادی است. یکی از مهم‌ترین قواعد فقه سیاسی که در این حوزه کارآمد است، قاعده نفی سبیل است که مرحوم امام نیز در بیانات خود بدان استناد می کردند: «قرآن می گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرمسلم بر مسلم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند:» «لن يجعل الله للکافرین علی المومنین سیلا.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۱۷) یا در جایی دیگر فرمودند: «ما منطلق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می خواهیم نرویم زیر سلطه» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۹۱)

بر اساس مفاد این قاعده هر عملی که منجر شود کفار راهی برای سلطه و ولایت بر مؤمنان پیدا کنند حرام است؛ بنابراین هر عقد و پیمان و هر معامله، ایقاع و قراردادی که موجب علو و برتری کفار بر مؤمن شود، مشروعیت و اعتبار حقوقی ندارد. همان‌طور که از محتوای این قاعده پیداست، با هر چیزی که باعث تسلط کفار بر مؤمنان است باید دوری کرد. (سیفی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۲۳۹)

نگاه کلی امام (رحمه الله علیه) به فقه باعث شکل‌گیری نگرشی جدید به این قاعده و مفاد آن شده

است، توضیح آنکه امام فقه را نه یک فقه فردی بلکه فقهی می‌داند که در نگاه مستنبط آن حکومت، فلسفه عملی تمام فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است، نگاه اجتماعی و سیاسی امام به این قاعده و توجه به مفاد مقتضای آن، یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های امام در ساحت کشف شریعت در آیینہ نصوص و ادله، کرده است. ایشان ضمن اعتقاد به این مهم که این اصل دارای جنبه سیاسی است آن را یکی از اصول مهم اسلام می‌داند (خمینی، ۱۳۸۴: ۴۷۰) و در راستای این تفکر آن بخش از مسئولان مسلمان نیز که به نفع کفار کار می‌کنند و راه تسلط کفار بر مسلمانان را هموار می‌نمایند، خائن دانسته است.

در جریان پذیرش قطعنامه صادره توسط شورای امنیت نیز این قاعده جاری است و همان‌طور که اشاره شد، عدم پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت و صلح تحمیلی، به این علت بود که قطعنامه‌های شورا به نوعی باعث سلطه جامعه کفار در منطقه می‌گردید تا اینکه پیروزی در جبهه‌های نبرد و تعیین متجاوز در قطعنامه ۵۹۸ سبب شد این قطعنامه توسط مسئولان جمهوری اسلامی ایران قابل قبول در نظر گرفته شود. همه این موارد اگرچه در زاویه نفی مداخله بیگانگان در سرزمین اسلامی است اما نفی سلطه از زاویه دیگر نیز موجب پذیرش قطعنامه توسط امام خمینی (رحمه الله علیه) بوده است. اینکه با رجوع به نظر خبرگان دوران دفاع مقدس ادامه جنگ موجب سلطه نهایی دشمنان بر سرمقدرات جامعه اسلامی می‌گردیده است. هرچند این عامل در ادامه تحت عنوان رجوع به نظر خبره مورد بررسی قرار خواهد گرفت اما بواسطه ارتباط آن با قاعده نفی سیل و مبنای انعطاف امام در پذیرش قطعنامه بیان گردید. شاید بتوان یکی از فرمایشات ایشان را مستند مناسبی برای چنین تفسیری دانست آنجا که فرمودند: «من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم؛ و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکا خود تصمیم گرفته‌اند و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۹۵) درحقیقت آنچه سبب این نتیجه‌گیری مسئولان بوده و بدون دخالت بیگانگان موجب چنین رخ داد مهم سیاسی شده است همین رجوع به نظر خبرگانی است (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۹۲) که توضیح تفصیلی آن در ادامه خواهد آمد.

۴-۵- تقدم اهم بر مهم

اهم و مهم یک قاعده عقلی است که مربوط به موارد تزامم ملاکات احکام در مقام عمل به آن‌هاست، یعنی مکلف نمی‌تواند به دو حکم شرعی اهم و مهم عمل کند و تنها بر انجام یکی از آن دو قادر است. در این جا باید به اهم عمل کند و مهم را فرو بگذارد. ملاک ترجیح اهم اهمیت حکم نزد شارع است. (جلالی مازندرانی، ۱۴۱۴: ۱۵) در واقع مقدم کردن اهم مقدم ساختن آن چیزی است که به هدف شارع نزدیک‌تر است؛ یعنی ترجیح راجح بر مرجوح. (علی دوست، ۱۳۹۴: ۴۴۴) بنابراین برای تعیین اهم باید مصالح و مفاسد را برحسب مذاق شارع دانست و در این راه می‌توان از لسان ادله بهره جست و یا ملاکات احکام را شناخت؛ زیرا اهتمام شارع نسبت به برخی امور بیشتر است. (جلالی مازندرانی، ۱۴۱۴: ۱۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۵۳۶)

فقط بر قبول تقدیم اهم بر مهم اتفاق نظر دارند، همانطوری که عقل بر آن حکم می‌کند و آن را یکی از ضروریات دین برشمرده‌اند. (خمینی، ۱۳۴۳، ص ۱۳۰) امام خمینی (رحمه الله علیه) نیز از جمله فقهایی است که قاعده اهم و مهم را به‌عنوان یکی از قواعد کاربردی در مسائل فقه سیاسی پذیرفته و با توجه به سیره پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) که مبتنی بر لحاظ اهم و مهم در روابط فردی و اجتماعی و حکومتی در تزاممات، بوده است؛ این قاعده را در تصمیمات خود به کار می‌بندد. یکی از مفاهیم عام در فقه سیاسی، حفظ نظام اسلامی است که اغلب حاکم بر مقررات دیگر است. با مذاقه در اندیشه‌های حضرت امام (رحمه الله علیه) نیز می‌توان دریافت که این امر اهم امور نزد مرحوم امام (رحمه الله علیه) است که پیوسته بر آن تأکید داشته‌اند و مبنای قرارداد آن سبب انعطاف‌پذیری ایشان در محکومات سیاست خارجی بوده است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«مسئله حفظ جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیری‌هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ‌چیز با آن مزاحمت نمی‌کند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۳۶۵)»

هدف همه انبیاء از اول تا آخر حفظ دین و کلمه حق بوده است و در این راه خودشان را نیز فدا کرده‌اند؛ بنابراین حفظ نظام اسلامی حتی از حفظ یک نفر- ولو امام عصر باشد- اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۲۲۱)

در خصوص پذیرش قطع‌نامه نیز می‌توان جریان این قاعده را مشاهده نمود؛ چراکه تا

واپسین روزهای پیش از قبولی قطع نامه، امام (رحمه الله علیه) تأکید بر ادامه جنگ داشته و حتی تردید در این مسئله به هر شکلی را خیانت به اسلام قلمداد می‌کنند؛ اما به واسطه امر مهم‌تری چون حفظ نظام اسلامی، با توجه به شرایط موجود، تصمیم بر قبول قطع نامه می‌گیرند. در واقع در شرایطی که ادامه‌ی جنگ باعث تضعیف کشور شده و از طرف دیگر جمهوری اسلامی توانسته به مواردی که بر آن پافشاری می‌نمود دست یابد، در چنین شرایطی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ یعنی همان مفهوم اهم که منجر به حفظ نظام اسلامی شده و می‌تواند شروعی برای تجدیدقوا باشد.

«در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور - که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم- با قبول قطع نامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱:۹۲)

۵-۵- مشورت و رجوع به خبره

بنای عقلا در هر حرفه و صنعتی، بلکه در تمام امور مربوط به زندگی بر رجوع به متخصص است، زیرا متخصص از اهل خبره و اطلاع است. چنین سیره‌ای اگرچه ممکن است شخص عادی به‌طور مفصل به آن توجه نداشته باشد؛ ولی در ذهن او متمرکز است؛ به‌گونه‌ای که با کمترین اشاره‌ای، علم تفصیلی به آن پیدا می‌کند. (خویی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۶۳) وجود سیره عقلا بر رجوع به اهل خبره در همه زمان‌ها و مکان‌ها و عدم ردع آن، مورد قبول تمام فقها بوده است و سیره مهم‌ترین دلیل اعتبار نظر اهل خبره نزد فقها است. (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۴)

قاعده رجوع به خبره قاعده‌ای عام بوده و در تمامی علوم و فنون به‌ویژه آنچه مورد نیاز جامعه است، جاری است. در سیره امام خمینی (رحمه الله علیه) نیز می‌توان کاربرد قاعده را مشاهده کرد؛ به‌ویژه در مسائل مربوط به جنگ که ایشان با فرماندهان و مسئولان کشور مشورت می‌کردند؛ زیرا اینکه چه زمانی باید به جنگ ادامه داد و چه زمانی به آن خاتمه داد نیازمند تخصص است که شخص متخصص با بهره‌گیری از علوم مختلف سیاسی، اقتصادی، حقوقی و غیره می‌تواند این مهم را تشخیص دهد.

در جریان پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ نیز مشاهده می‌شود که امام (رحمه الله علیه) با توجه به مشاوره‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی که به ایشان داده می‌شد و با اعتماد بر گزارش‌ها و نقطه نظرات مسئولان و کارشناسان، قطع‌نامه را پذیرفتند؛ و همواره از مردم می‌خواستند که مسئولان را بابت این موضوع شماتت نکنند؛ از این رو در پیامی خطاب به آن‌ها فرمودند:

«تأکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند، آن‌ها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است که ان‌شاءالله خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۹۶)

این اقدام با الگوبرداری از سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در اداره حکومت است؛ چنانکه نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در امور حکومتی و به‌ویژه در جنگ‌ها از یاران خویش مشورت گرفته و نظرخواهی می‌کردند و در بسیاری از موارد این امر سبب بهبود روند جنگ بود؛ مانند جنگ خندق که به پیشنهاد سلمان فارسی، خندق‌هایی ایجاد شد و در نهایت، نتیجه جنگ را به نفع مسلمین تغییر داد. (عاشوری، ۱۳۸۶: ۳) لذا همین دیدگاه خبرگانی بوده است که موجب انعطاف ایشان در پذیرش قطع‌نامه گردیده و در نهایت با تحصیل آن حکم به پذیرش قطع‌نامه با ملاحظاتی دادند.

۶-۵- لزوم عمل به تعهد و پایبندی به قراردادهای بین‌المللی

امام خمینی (رحمه الله علیه) بر ضرورت رعایت قواعد و مقررات بین‌المللی مصوب سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در صورتی که منجر به صلح و عدالت در عرصه جهانی گردد تأکید داشته و معتقد بودند از باب صلح‌گرایی و مسالمت‌جویی دولت اسلامی و از باب قاعده الزام که بیان می‌دارد اصل در کلیه عقود، اعم از تملیکی و عهدی، لازم بودن آن‌هاست (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۱۵۹) و اینکه سایر کشورها را متعهد به اجرای قراردادهای بین‌المللی می‌کند، رعایت چنین قواعدی لازم است. البته مشروعیت و مقبولیت چنین قراردادهایی منوط به رعایت عدالت و عدم تبعیض، پایبندی به آن توسط سایر کشورها و عدم پیمان‌شکنی از سوی آنان و مطابقت این قراردادهای با سایر قراردادهای، مقررات و عرف بین‌المللی می‌دانستند. (دهشیری، ۱۳۷۹: ۲۲۹)

در خصوص قطع‌نامه ۵۹۸ نیز مطابق قاعده الزام بایستی به تعهدات آن پایبند بود تا جایی که طرف دیگر پایبند به تعهدات باشد؛ از این رو حضرت امام (رحمه الله علیه) در جریان پذیرش

قطعنامه تأکید داشتند که ممکن است طرف مقابل بدعهدی کند و نیروهای نظامی بایستی آمادگی کامل برای هر اقدامی را داشته باشند.

البته باید توجه داشت که قطعنامه‌ها زمانی لازم‌الاجرا می‌شوند که موردپذیرش قرار بگیرند؛ از این رو قطعنامه‌هایی که قبل از قطعنامه ۵۹۸ به تصویب رسیده بودند، به دلیل پذیرفته نشدن توسط ایران، لازم‌الاجرا نبود.

نتیجه‌گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به دنبال تشکیل نظام اسلامی و استقلال کشور ایران؛ منافع بسیاری از دولت‌ها به خطر افتاد و از این رو به دنبال تجاوز به خاک ایران رفتند؛ به نحوی که زمان کوتاهی پس از پیروزی انقلاب، در پی تدارک حمله نظامی به ایران، از طریق عراق برآمدند. جنگ عراق علیه ایران در سال ۱۳۵۹ شروع شد و تا ۸ سال ادامه داشت. در طول این دوران، قطعنامه‌هایی از سوی سازمان‌های بین‌المللی صادر شده بود و به جهت نادیده گرفتن حقوق ایران، مورد قبول واقع نمی‌شد؛ اما پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۶ که در آن حقوق ایران تا حدی به رسمیت شناخته می‌شد، این قطعنامه توسط امام خمینی (رحمه الله علیه) موردپذیرش قرار گرفت. با مذاقه در بیانات امام خمینی (رحمه الله علیه) در طول سال‌های جنگ تحمیلی، می‌توان سیاست‌های گوناگونی را در شرایط متفاوت مشاهده نمود. این راهبردهای متفاوت، دلیل بر عدم وجود استراتژی نیست بلکه حاکی از یک نظام ارزشی پویاست که نشان از توجه به اقتضائات زمانی و مکانی و مصلحت عمومی و برآمده از اندیشه فقهی امام (رحمه الله علیه) است. از این رو باهدف فهم راهبردهای سیاست خارجی حضرت امام (رحمه الله علیه) در طول دوران جنگ و به‌ویژه در پذیرش قطعنامه، مؤلفه‌های راهبردهای سیاسی ایشان که شامل راهبردهای بی‌طرف‌گرا، مقابله‌جویانه و تعهد آمیز می‌باشد، بررسی شد و همچنین بستر و علل پذیرش قطعنامه مورد واکاوی قرار گرفت تا بر اساس آن، اصول و مبانی سیاست خارجی آن حضرت در پذیرش قطعنامه تبیین شود. با مذاقه در اندیشه سیاسی امام خمینی (رحمه الله علیه) به اصول و قواعد ثابتی دست‌یافتیم که می‌توان به تکلیف‌گرایی و عمل به مقدورات، مصلحت اسلام و مسلمین، گسترش نفوذ اسلام، نفی دخالت بیگانگان، تقدم اهم بر مهم، مشورت و رجوع به خبره و لزوم عمل به تعهد و پایبندی به قراردادهای بین‌المللی اشاره نمود که در سیاست خارجی ایشان قابل مشاهده است.

منابع

- اسلامی، روح الله؛ صحرايي، محمد(۱۳۹۷). الگوی سیاست خارجی ساسانیان، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، ۶(۲)، ۲۰-۱.
- البهبهانی، سید علی(۱۴۰۵). الفوائد العلیه، قم: المطبعة العلمیه ج دوم.
- جعفری تبریزی، محمد تقی(۱۳۶۰). منابع فقه، تهران: نور.
- جلالی مازندرانی، سید محمود(۱۴۱۴). المحصول فی علم الاصول، قم، موسسه امام صادق علیه السلام.
- جمعی از محققان(۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حسن زاده، اسماعیل(۱۳۸۶). تحلیل محتوای قطع نامه های دوره انقلاب (از شهریور تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷)، جامعه شناسی ایران، ۸(۲)، ۴۱-۷.
- حسن زاده، مهدی(۱۳۸۹). مبانی فقهی اعتبار نظر اهل خبره، مطالعات حقوق خصوصی، ۴۰(۲)، ۱۳۷-۱۲۵.
- خمینی، سید روح الله(۱۳۴۳). الرسائل، قم: موسسه اسماعیلیان.
- خمینی، سید روح الله(۱۳۸۴). حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی، تهران: موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره)، تبیان، آثار موضوعی، دفتر چهل و پنجم.
- خوبی، سید ابوالقاسم(۱۴۲۰). اجود التقریرات، جلد سوم، قم: انتشارات صاحب الامر.
- درودیان، محمد(۱۳۷۹). سیری در جنگ ایران و عراق، پایان جنگ، جلد پنجم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- دهشیری، محمدرضا(۱۳۷۹). درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سادات بیدگلی، سید محمود؛ قیصریان فرد، هادی(۱۳۹۸). تحلیل و ارزیابی پایان جنگ ایران و عراق، گنجینه اسناد، ۲۹(۱۱۵)، ۶۸-۹۸.
- سرمادی، حمید؛ ازغندی، علیرضا(۱۳۹۵). جنگ تحمیلی و تأثیر آن بر تغییر گفتمان سیاست خارجی ایران (از آرمان گرایی دهه اول به عمل گرایی منفعت محور دهه دوم انقلاب اسلامی)، پژوهش ملل، ۱(۱۰)، ۱-۱۶.
- سیفی، علی اکبر(۱۴۲۵). مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقھیة الأساسیة، جلد اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طاهایی، سید جواد(۱۳۸۸). امام خمینی و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، روابط خارجی، ۱(۱)، ۷۷-۱۱۱.
- طاهری، مهدی، و صفی شلمزاری، سعید(۱۳۹۴). ماهیت فقه سیاسی. حکومت اسلامی، ۲۰(۷۷)، ۵-۲۸.
- عاشوری، زهرا(۱۳۸۶). در محضر قرآن جنگ احزاب خندق؛ ۱۷ شوال سال پنجم هجری، نامه جامعه، ۴(۳۸)، ۵۶-۶۱.

علی دوست، ابوالقاسم (۱۳۹۴). فقه و مصلحت، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۰). دانش سیاسی در حوزه علمیه قم، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 فوزی، یحیی (۱۳۸۴). تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، جلد دوم، تهران، چاپ و نشر عروج.

کسرای، محمدسالار و موسوی، سیدرحیم (۱۳۹۲). انقلاب و جنگ ایران و عراق. پژوهشنامه متین، ۱۵(۵۸)، ۹۳-۱۱۴.

لک زایی، نجف (۱۳۸۳). سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۱). قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران، سمت.

محمودی، یدالله (۱۳۹۷). مبنا و قلمرو تقدم مصلحت عمومی بر مصلحت خصوصی از منظر فقه، قم، مهر امیرالمؤمنین (ع).

مردی، مهدی (۱۳۷۸). جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی (ره) - (تبیین آثار موضوعی - دفتر بیست و چهارم)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

مصلح‌زاده، مصطفی (۱۳۹۷). راهبردهای امام خمینی در سیستم بین‌المللی معاصر، پرتال پژوهشی و اطلاع‌رسانی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). اسلام و مقتضیات زمان، جلد ۱، چاپ ۱۷، انتشارات صدرا.
 مقتدر، هوشنگ (۱۳۵۸). مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران: انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). بحوث فقهیه هامه، قم: مدرس الإمام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
 مولایی، محمدرضا (۱۳۹۲). ضرورت و کارکرد «حفظ نظام» در تدوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی (با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی^(ع))، مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۲)، ۷۹-۹۶.

میراحمدی، منصور (۱۳۹۵). فقه سیاسی، تهران، انتشارات سمت.
 میرزا حسینی، مریم السادات (۱۳۹۲). دیدگاه‌های نظری امام خمینی (س) در حوزه سیاست خارجی، پرتال پژوهشی و اطلاع‌رسانی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، کد مطلب: ۴۹۲۶۷.

همتی و صفایی فسخودی (۱۳۹۳). دیپلماسی ایران و قطعنامه ۵۹۸، تهران: صفحه جدید.
 یاقوتی، محمدمهدی (۱۳۹۰). تحلیل سیاست خارجی و هویت سیاست خاری جمهوری اسلامی ایران. سیاست خارجی، ۲۵(۱)، ۱-۲۸.